

خیانتی که به جنایتی بی رحمانه انجامید



۱۲ سال از ازدواجمان می گذشت شوهرم هیچ محبتی به من نداشت و حتی مانع بچه دار شدنمان بود و به طلاق هم رضایت نمی داد

برای رهایی از این همه فشار وقتی با مرد غریبه ای که در فضای مجازی آشنا شده بودم تصمیم گرفتم برای همیشه انتقام ۱۲ سال تنهایی خودم را از او بگیرم.

حوادث ایران

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده ها / داستان های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

تیترها

اتفاق دردناکی که در اردبیل رخ داد

قتل عمومی ۵ ساله در خشم برادرزاده ۲۲ ساله

پسر بچه اردبیلی که ۵ سال بیشتر نداشت وقتی امانت نزد برادرزاده ۲۲ ساله اش بود به قتل رسید. بعد از قتل پسر خردسال اردبیلی به دست برادرزاده جوانش، ولی دم پرونده با تلاش اعضای هیأت صلح بخشایش ستاد صبر استان اردبیل از قصاص گذشت کرد.

۱۶

اجاره دادن کودک به دزد توسط مادر بی عاطفه

زن جوان که فرزند خردسال خود را به یک سارق اجاره می داد، بازداشت شد.

۱۶

مرد بوتیک دار تلاش داشت جنایتش پنهان بماند

کندن قبر مخفی قبل از شلیک های مرگبار

مرد بوتیک دار در جنایتی هولناک شوهر زن جوانی را کشت و جسدش را در زیرزمین خانه اش دفن کرد. این قاتل ادعا دارد بدگویی های خانم پرستار در مورد شوهرش او را وادار به این کار کرده است.

۱۸

قتل عام آتشین

دختر ۱۴ ساله در عشق پسر ۱۵ ساله

دختر ۱۴ ساله به خاطر عشق به پسر افغان همه اعضای خانواده اش را در آتش خشم خود سوزاند تا با پسر ۱۵ ساله ازدواج کند.

۱۸

این زن مرگ را لمس کرد

تصمیم شوم برای فرار از سیاهی

دختر ۳۰ ساله که در جریان فشارهای زندگی تصمیم به خودکشی گرفته بود و طناب دار را از چهارچوب در اتاق خواب آویزان کرده و آماده مرگ بود، ناگهان با ورود سرزده مادر از خودکشی نجات پیدا کرد.

۱۸



ماه عسل

جاده باریک پیچ در پیچ شمال با آن نم باران برای پایان سفر ماه عسل «محسن» و «شیرین» روایی بود؛ صخره های هفت برادران با حرکت برف پاک کن های خودرو و صدای موزیک که آرام بود بسیار زیبا دیده می شدند. شیرین گاهی سکوت می کرد. محسن می دانست که به یاد خاطرات تلخش افتاده است. دورانی که «مهران» به خواستگاری اش رفت و او چشم و گوش بسته پذیرفت با این جوان ازدواج کند. مهران از کارمندان شرکت بود و هیچ کس اطلاع نداشت او اعتیاد دارد. ظاهر شیک و آراسته با آن چرب زبانی اش کافی بود تا شیرین به او بله را زودتر از انتظار بگوید.

این پسر از زنان و مردان فیلم سیاه تهیه می کرد

اعتراف روپناه پسرارک دانشجو

پسر جوان که با نقشه شیطانی وارد خانه طعمه های خود شده و بعد از سرقت از آنها فیلم سیاه تهیه می کرد، با تلاش مأموران پلیس به دام افتاد و اعتراف کرد. این پسر در پارک دانشجو و فضای مجازی به شکارهای سیاه دست می زد و با تهیه فیلم سیاه از زنان و مردان تصور می کرد آنها جرأت شکایت نخواهند داشت. به گزارش «ایران»، مرد و زن و پیر و جوان ندارد! اعتماد فوری به افرادی که به تازگی با آنها آشنا شده ایم، اشتباه است و باید در روابطی که اخیراً برابمان شکل گرفته، محتاط باشیم و به سرعت رفتاری جدیدمان را وارد محافل خصوصی مان نکنیم، یا حتی به خانه مان دعوت نکنیم و به خانه شان نرویم! شاید این هشدار خیلی سطحی و ابتدایی به نظر برسد و در نظر اول گمان کنیم که این توصیه پیش پا افتاده را هر کسی می داند! اما در هر سن و سال و موقعیتی که هستید، گمان نکنید که در دام افراد تبهکار گرفتار نمی شوید چون این افراد خیلی خوب می دانند از چه دری وارد شوند که اعتماد شما را جلب کنند!

شکار ۲۰ زن و مرد توسط روپناه

همه از ۲۰ زن و مرد این پرونده در مدت کوتاهی بعد از آشنایی با یک پسر جوان به نام ابوالفضل در دام او گرفتار شدند. آن هم فقط به خاطر اینکه در این مدت کوتاه، به او اعتماد کردند که نتوان این اعتماد برایشان خیلی سنگین تمام شد. متهم با ترغیب های مختلف خود را به طعمه هایش نزدیک می کرد. در برخی موارد افرادی را که برای کار با تحصیل به تهران آمده و دنبال هم خانه می گشتند، شناسایی می کرد. گاهی هم طرح دوستی می ریخت و برای ساعتی گپ زدن و صرف چای خودش را به خانه آنها دعوت می کرد. او قربانیان خود را از میان زنان و مردانی با هر سن و سال انتخاب می کرد و برایش فرقی نمی کرد که چه اقشاری را قریب دهد؛ هر جا که نقشه اش می گرفت، اقدام به اجرای آن نقشه می کرد.

سرهنگ کارآگاه علی عزیزخانی ریاست پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران که با تلاش شبانه روزی و با کمک دیگر مأموران این پایگاه، موفق به شناسایی و دستگیری متهم پرونده شده اند، در توضیح این پرونده به خبرنگار ما می گوید: «مدتی قبل شکایت های سریالی شهروندان با موضوع سرقت اموالشان به دست ما رسید. در بررسی ها مشخص شد که این افراد در فضای مجازی با پوستان های سطح شهر تهران با سفره خانه ها با فردی حدوداً ۲۲ ساله آشنا شده بودند. سپس با او قرار ملاقات گذاشته و او اعتماد آنها را جلب کرده و وارد خانه شان شده بود یا اینکه آنها را به مخفیگاه خود کشانده بود. سپس در نوشیدنی آنها قرص خواب آور ریخته و بعد از اینکه طعمه های خود را بیهوش می کرد، اقدام به سرقت اموال آنها کرده و از حساب بانکی آنها نیز سرقت می کرد.»

بازداشت روپناه سرهنگ عزیزخانی در ادامه گفت: «همکاران ما در پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران با اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی این فرد شده و سپس او را به یک قرار صوری که در فضای مجازی ترتیب داده بودند، کشانند که متهم به دام پلیس افتاد و به اعمال ارتكابی

درآمدت از کاری که می کردی، چطور بود؟

زبان نبود. ماهیانه حدود ۸ میلیون تومان حقوق می گرفتم. چه شد که فکر سرقت به سرت زد؟ اخیراً یک موتور خریده بودم که به خاطر خرید آن بدهکاری بالا آورده بودم. با حقوقی که می گرفتم، نمی توانستم بدهی را پرداخت کنم. من را به خانه شان قیل از عید بود که فکر سرقت به سرم زد.

در مورد شیوه و شگرد سرقت ها توضیح بده.

در فضای مجازی با پارکها پیوژه پارک دانشجو و سفره خانه ها با طعمه های خود آشنا می شدم. سر صحبت را با آنها باز می کردم و طرح دوستی می ریختم. می گفتم که دانشجو هستم و وضع مالی خوبی ندارم. با داستان سرایی هایی که می کردم، آنها دلشان برای من می سوخت و من را به خانه شان دعوت می کردند.

این دوستی تا دعوت به خانه آنها چقدر طول می کشید؟

خیلی کم. گاهی ۲ یا ۳ روز. بعضی وقت ها هم کمتر از یک نصفه روز به خانه شان می رفتم. بعد در نوشیدنی آنها قرص خواب آور می ریختم و وقتی بیهوش می شدند، کارت بانکی شان را سرقت می کردم.

کارت را چطور خالی می کردی؟ مگر رمز را داشتی؟

قبل از رفتن به خانه شان ترتیب یک خرید کوچک را می دادم و می گفتم حساب کنند تا بعداً با آنها پول خرید را حساب کنم. وقتی می خواستند پول خرید را سوپرمارکت را بدهند، رمز کارنشان را حفظ می کردم. بعد هم پول را انتقال می دادم.

شاکبان در شکایت خود گفته اند که اموال دیگری نیز حساب بانکی شان هم سرقت شده است.

من قبول ندارم! بعضی وقت ها هم تو خانه ای را برای یک روز اجاره می کردی و طعمه ها را آنجا دعوت می کردی! فقط در یک مورد این کار را کردم. پول های سرتی را چه کردی؟ مدتی در خانه اقوام بودم اما بعد به مسافر خانه رفتم.

از دستم رفت! پول حرام همین است دیگر!

برکت ندارد. می دانی چه مجازاتی در انتظار تو است؟ نه اساذهم خیلی درگیر این موضوع است. خانواده ام متوجه شده اند که من را دستگیر کرده اند اما دلیل آن را نمی دانند. چرا فیلم سیاه؟! فیلم سیاه تهیه می کردم تا بعداً از ترس آبروی شان از من شکایت نکنند.

پدر سالخورده من قریب خورد!

خانم جوانی که گفت وگو با او را در ادامه گزارش می خوانیم، یکی از شاکیان پرونده است که به نمایندگی از پدرش طرح شکایت کرده و پیگیری روال قضایی پرونده است.

در مورد جزئیات شکایت خود توضیح دهید.

نیمه خرداد بود که مادرم به سفر رفته و پدرم در خانه تنها بود. پدرم یک مرد ۷۷ ساله و مهربان و دل رحم است. صبح روز حادثه برای خرید وسایل صبحانه برای خودش به سوپرمارکت رفته بود که در مسیر با این متهم هم کلام شد. او خودش را دانشجو جا زده و به پدرم گفته بود که صبحانه نخورده است. پدرم به او گفته بود که می تواند در شهرستان برای او کار پیدا کند چون در حال ساخت یک خانه در شهرستان بود. می گفتم که این جوان از این حرف استقبال کرده بود. بعد پدرم او را برای صرف صبحانه به خانه دعوت کرده بود اما این فرد در جای پدرم قرص خواب آور ریخته و او را بیهوش کرده بود.

بعد از بیهوش کردن پدرتان چه چیزی از او سرقت کردی؟

مقدار زیادی از مس های مادرم و طلاهای او را از خانه برده بود. مقداری هم پول نقد که در خانه داشتم، برداشته بود. ۸ میلیون تومان هم از کارت حقوق پدرم برداشته بود. یک دستگاه دریل و کامپیوتر ماشین همسایه مان را هم سرقت کرده بود.

شما چطور متوجه این حادثه شدید؟

مادرم چندین بار با پدرم تماس گرفته بود اما او جواب نمی داد. برای همین نگران شدم و از من خواست به خانه شان بیایم. وقتی در را باز کردم، پدرم بیهوش روی تختش افتاده بود. او مبتلا به

